

حمل وجود (مانند مثلث موجود است.)	حمل ماهیت (مانند مثلث سه ضلعی است.)
بین وجود و موضوع، رابطه ضروری برقرار نیست و موضوع می تواند باشد یا نباشد؛ بنابراین حمل وجود بر موضوع، حملی غیر ضروری است و به دلیل نیاز دارد.	این مفهوم جزء تعریف موضوع بوده و از آن جدا نمی شود و البته هیچ تفاوتی هم جز در گستردگی با مفهوم موضوع ندارد؛ بنابراین این حمل، حمل ضروری است و نیازی به دلیل ندارد.
اثبات وجود یک چیز هم به طریق عقلی و هم به طریق تجربی ممکن است.	

نکته اگر وجود هم عین ماهیت بود در آن صورت به هر چیزی که فکر می کردیم باید وجود می داشت ← پس وجود با ماهیت مغایرت دارد.

سیرتاریخی و اثرگذاری بحث

- این بحث، پایه یکی از برهان های ابن سینا در اثبات خدا به نام برهان «وجوب و امکان» قرار گرفت.
- یکی از فیلسوفان اروپایی نیز به نام **توماس آکوئیناس** از آن در برهان های خداشناسی خود بهره برد (آکوئیناس بنیان گذار فلسفه توماسی است).
- آکوئیناس، آلبرت کبیر و راجر بیکن که نظراتی نزدیک به هم داشتند، فلسفه شان متکی بر آرای ابن سینا و تا حدی ابن رشد بود.

درس: هستی و چیستی



1

مفهوم وجود و اهمیت آن

وجود داشتن یا نداشتن منشأ اثر هر چیزی است و همواره این مطلب برای انسان ها مهم بوده است.

وجود: به معنای هستی و همان وجه مشترک واقعیات جهان است.

مفهوم ماهیت و اهمیت آن

گاهی در عین علم به وجود چیزی از ماهیت آن اطلاع نداریم و می پرسیم که «آن چیست؟»
ماهیت: به معنای چیستی داشتن و همان وجه اختصاصی موجودات جهان هست.

هر موجودی در جهان دو حیثیت دارد	(۱) موجود بودن (یا هستی داشتن)
	(۲) ماهیت داشتن (یا چیستی داشتن)

رابطه میان وجود و ماهیت

- در بین فلاسفه مسلمان، ابتدا فارابی و سپس ابن سینا به این رابطه توجه کرده بودند؛ البته در سطح جهانی، اول ارسطو بود که به این مسئله در کتاب **مابعدالطبیعه** خودش پرداخت.
- این مفاهیم دو جنبه از یک چیز هستند و نه دو جزء یک چیز.
- این دو، از جهت مفهومی در ذهن ما دو چیز هستند و مغایرت دارند؛ پس تفاوت آن ها صرفاً از جهت مفهومی و ذهنی است.
- اما در جهان خارج تنها یک واقعیت وجود دارد که هم وجود دارد و هم ماهیت؛ پس در جهان عینی و خارجی مغایرتی با هم ندارند.
- واقعیت:** همه چیزهایی که در اطراف ما وجود دارند، هر کدام یک واقعیت هستند و نه یک چیز خیالی.

- به دلیل آشنایی فلاسفه اروپایی قرن‌های ۱۳ تا ۱۵ با آرای ابن سینا و ابن رشد، آن‌ها بار دیگر با آرای ارسطو از این طریق آشنا گشتند. (چون فلسفه ابن سینا و ابن رشد بیشتر متکی بر اصول ارسطو بود.)
- از قرن ۱۶ و با رشد تجربه‌گرایی دیدگاه‌های ارسطو جای خود را به دیدگاه‌های فلاسفه حس‌گرا و تجربه‌گرا داد.



مای درس

گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir